

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

در صفحات دیگر

تشکیل دولت انقلابی السالوادور

صفحه ۶

سیستم استثماری با زار مشترک

صفحه ۴

## غفلت نکنیم

مجلس شورای اسلامی با تصویب پیشنهاد کمیسیون ویژه درباره شرایط آزادی گروه‌های نه‌ای جاسوس آمریکایی به جنبه جنجالی قضیه که یک سالی در سراسر جهان سرمایه داری دستاویز لجام‌گسیخته ترین تبلیغات منفی بر ضد انقلاب و بر ضد جمهوری اسلامی ایران شده بود پایان داد. این شرایط که در جامعه خود با دقت و دورنگری تدوین شده است تکلیف را بر همه روشن کرده جای ابهامی در آنچه ملت ایران، به استناد دواصل استقلال و حاکمیت ملی، حق خود می‌داند و در باره اش حاضر به هیچ‌گذشتی نیست باقی نمی‌گذارد. اکنون بردولت آمریکا است که با پذیرفتن بی‌مکوکاست این شرایط و عمل بدان - و پیش

از همه، عمل به این شرط اساسی که آمریکا "باید تعهد و تضمین نماید که از این پس هیچگونه دخالت مستقیم و غیر مستقیم سیاسی و نظامی در امور جمهوری اسلامی ایران ننماید." آزادی جاسوسان خود را امکان پذیر سازد. بنا بر این، مسئولیت امر از این پس بر عهده آمریکا است، و در صورت استنکاف و سرسختی از جانب آمریکا که موجب ادامه بازداشت جاسوسان خواهد بود، این حکومت واشنگتن است که باید پاسخگوی افکار عمومی جهان باشد. ظاهراً بر همین اساس هم دولت آقای رجائی، از طریق سفیر الجزایر، شرایط مصوب مجلس را سریعاً به مقامات آمریکایی ابلاغ کرد و خواستار شکره پاسخ واشنگتن بی‌درنگ و به صراحت اعلام شود و در

رسانه‌های گروهی با اطلاع مردم سراسر جهان نبرد. اکنون کار در سطح دیپلماسی دو دولت قرار گرفته است، بویژه که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نیز وظیفه خود را در نگهداری گروه‌های جاسوس پایا ن یافته اعلام کرده اند. چنین می‌نماید که همه موانع دست کم از سوی ایران - بر طرف شده است و اینک، در اجرای شرایط مصوب مجلس شورای اسلامی و در چارچوب مشخص این شرایط که تفکیک پذیر نیست و همه با هم باید پذیرفته شود، دولت ایران باید ترتیب آزادی گروه‌های

صفحه ۶

## مادشمنیم با شیطان

### چه با کار ترچه ریگان

این شعار انقلابی که جمعه گذشته از حلقوم صدها هزار نمازگزار مصمم فریاد می‌شد و سینه‌ها را می‌شکافت، نشان‌دهنده هوشمندی خلقی بیدار، رزمنده و خدا میسر - یالیت است که با ذوق لطیف و موزونی، قصد او را ده پایدار و بی‌تزلزلش را در مبارزه با "شیطان بزرگ" به گوش‌ها می‌رساند و پرده پنداری بی‌خامان عوام فریب و سازشکار را در فرور مردن شور انقلابی مردم از هم می‌دراند. مردم سالهاست که دشمن اصلی خود را شناخته اند و همه عقب ماندگی‌ها، فقر، مصیبت، بیکاری و وابستگی اقتصادی - شان را از این دشمن خونخوار که امیر یاب - لیس آمریکا است، می‌دانند.

غلیان و جوش انقلابی توده‌های میلیونی مردم در برگزاری روز شکوهمند ۱۳ آبان در جاسوسخانه آمریکا یکبار دیگر عزم آنها را به ادامه مبارزه با این جهانخوا ر نشان داد و این همه به درستی در کلمات و جملات سخنرانان انعکاس یافت.

حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها در پاسخ به ندای رهبران انقلاب و خلق پیکار جوی ما گفت: "بدانید، بدانید، بدانید که آمریکا دشمن اصلی ما است، آمریکا دشمن شماره یک ما است، بنیاد آن روز که شعار مرگ بر آمریکا، از زبان ما بیفتد، نکتند با شعار دیگر، جای شعار مرگ بر آمریکا را پر کنند."

این تشویش بی جهت نیست، دست - های آشکار و پنهان در کار است که می‌کوشد "شعار دیگری" را جانشین شعار "مرگ بر آمریکا" سازد.

این دست‌ها از سازشکاران و نیمه راهان است، آنها به سبب تنگ نظری - های طبقاتی نمی‌خواهند و اگر بخواهند

صفحه ۲

## سرود برای آزادی

جعفر کوش آبادی

صفحه ۶

## انقلاب کبیر سوسیالیستی

### اکتبر نخستین انقلاب

### پیروزمند ضد امپریالیسم

### جهان

۶۳ سال از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر می‌گذرد. این انقلاب عظیم‌ترین رویداد قرن بیستم و نقطه عطف بنیادی در تاریخ بشریت است. انقلاب اکتبر در گونی‌های ژرف انقلابی جهان را به ارمغان آورد و به گردان‌های جنبش کارگری جهانی و مبارزه، خلق‌های ستمدیده برای پیشرفت اجتماعی و رهایی ملی توان و تحرک نیرومندی بخشید. با پیروزی انقلاب کارگری اکتبر ۱۹۱۷ عصر نوینی در تمدن جهانی گشوده شد و تاریخ بشریت از محلال ابدی نظام‌های استثماری گران و ساختمان جامعه بی‌طبقه، آزاد، سربلند و انسانی را بشارت داد.

هزاران سال تمدن انسانی بر اساس استثمار و وحشیانه توده‌های زحمتکش بردگان، دهقانان و مزدوران توسط طبقات فرمانروای برده داران، اشراف زمیندار و سرمایه داران شالوده ریزی شده بود و اشکال گوناگون استثمار جانشین یکدیگر می‌شد.

## انحصارات ژاپن

## در همکاری با اثر ادیپستان

ژاپن به منظور توسعه طلبی در کشور - های توپای آفریقای به هیچ وجه مایل نیست که با همکاری خیلی آشکار با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به روابط خود با کشورهای مذکور لطمه وارد کند. ژاپن با دقتی بیشتر از دولت‌های غربی به پرده - پوشی این روابط می‌پردازد و تلاش می - کند که این طور وانمود کند که در این جا موضوع عبارت از مصالحه بین منافع اقتصادی و سیاسی فرضاً متضاد کشور است. در حقیقت، پشت این عبارات منظم - یک موضع گیری امپریالیستی نهان است. حکومت ژاپن لفظاً به محکوم کردن نژاد -

پرستی در همه اشکال آن می‌پردازد و از جنبش‌های رهایی بخش ملی در جنوب آفریقا پشتیبانی می‌کند. در توکیو اعلام شد: "ژاپن عمیقاً از این که در عصر ما بسیاری از خلق‌های آفریقا قربانی سیاست تبعیض نژادی و استعمارند، ابراز انزجار نموده و در حدود امکان (یک احتیاط با معنا) بر ضد این سیاست ضد بشری اعتراض می‌نماید. عدالت و بشردوستی را وجهه همت خود قرار می‌دهد" (گیزه هیورون، ۱۹۷۵ شماره ۴ ص ۹۸)

همچنین اعلام شده است که ژاپن به مناسبت صدور اسلحه و تجهیزات به جمهوری آفریقای جنوبی که از جانب سازمان ملل متحد

مقرر گردیده احترام می‌نهد و سرمایه گذاری خصوصی در کشور مذکور و همکاری فنی با آن را قدغن کرده است.

علی‌رغم این رجز خوانی‌ها، سیاست حکومت ژاپن نسبت به آفریقای جنوبی عملاً دفاع از رژیم‌های استعماری و نژاد پرستی است. نمونه این سیاست در سازمان ملل متحد در کوشش هیات نمایندگی ژاپن در جلوگیری از مجازات اقتصادی این کشور که به پای‌های روابط ژاپن و آفریقای جنوبی لطمه وارد می‌آورد، دیده شده است.

صفحه ۳

### از سلسله قطعنامه‌های

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح

(صوفیه ۲۷-۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰)

## قطعنامه پشتیبانی از تشکیل کنفرانس

### درباره تشنج زدائی نظامی و خلع سلاح در اروپا

مرحله مهم تازه‌ای در روندی خواهد بود که در هلسنکی برای تحکیم امنیت و خلع سلاح و تشنج زدایی و ایجاد یک منطقه صلح و امنیت در اروپا پدید آمده است. باید از سوی کشورهای امضاء کننده سند نهایی هلسنکی در گردهمایی شان در مادرید گرفته شود.

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح از پیشنهاد دولت جمهوری خلق لهستان مبتنی بر تشکیل این کنفرانس در ورشو - زمین تشنج زدایی نظامی ارائه کند. تصمیم به دعوت این کنفرانس که آغاز

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح، با آگاهی برای این که به تلاش‌های بیشتری از سوی دولت‌ها و ملت‌های اروپا برای متوقف ساختن انباشت سلاح‌ها و نیل به پیشرفت واقعی در زمینه خلع سلاح نیاز هست، از پیشنهاد های مربوط به تشکیل کنفرانسی درباره تشنج زدایی و خلع سلاح در اروپا کاملاً پشتیبانی می‌نماید. کنفرانس باید تصمیمات مثبتی در زمینه تشنج زدایی نظامی ارائه کند. تصمیم به دعوت این کنفرانس که آغاز

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح، از پیشنهاد دولت جمهوری خلق لهستان مبتنی بر تشکیل این کنفرانس در ورشو - زمین تشنج زدایی نظامی و خلع سلاح در اروپا جابنداری کنید!

صفحه ۲

صفحه ۵

### قطعه‌نامه درباره نظام اقتصادی جدید بین‌المللی و نقش شرکتهای چندملیتی

### مادشمنیم با شیطان

### چه با کارتر چه ریگان

نمی‌توانند با دنبال کردن شعار "مرگ بر آمریکا" موافق باشند. سودجویی و خاصیت طبقاتی آنها چنین اقتضا می‌کند. لطمه زدن جدی به امپریالیسم و ریشه کن کردن همه پیوندهای آن مستلزم چنان سیاست انقلابی است که بتدریج درخت کهنسال استثمار و نابرابری انسان - ها را در سرزمین ما از ریشه برکند و زمینه های اجتماعی برابر حقوقی شهروندان ما را در همه ابعاد فراهم آورد.

سازشکار لیبرال منشن هرگز به این "فاجعه" برای طبقه سودپرست و خودخواه تن در نخواهد داد. او تاکنون سوار بر گرده زحمتکشان بوده و از هزاران امتیاز زبلند و کوتاه صاحب آلف والوف شده. حال چگونه می‌تواند از شکوه راحت طلبی دل برکند و به خاطر مستی پابرهنه، "عامی" بیسواد از ناز و نعمت دیرینه پایش صرف نظر نماید. این جاست که برای خود منطق می‌تراشد و با هزار سفسطه و شعبده بازی "قبله" مالش را از زیر ضربه خارج می‌کند تا قاپی و فرما - نیروایی اش در مان بماند. به خاطر همین الزامات طبقاتی است که وقتی مردم فریاد بر می‌آورند:

تا دم مرگ گویم ای مرگ بر آمریکا  
نه سازش نه تسلیم نمیدم به آمریکا  
اومی‌گویم: "این بیان که ما با آمریکا در حال جنگیم، هنوز یک چیز قطعی نیست... اگر ما مفرودماندا با آمریکا در حال جنگیم، از نظر فکری و معنوی است ما خودمان را در جنگ با آمریکا نمی‌بینیم... (ما) مشکلات خودمان را در نظر نمی‌گیریم."

اما ما مدتها نژاده سال پیش مردم را به جنگ با آمریکا و طاغوت او فراخواند و در بیان نامه معروف خود در سال ۱۳۴۳ خطاب به توده‌های زحمتکش فریاد آورد: "آمریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند. آمریکا است که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلم را آواز کند... آمریکا است که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند، تصویب و اجرا کنند. آمریکا است که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می‌نماید."

بر خلاف تصور حضرات لیبرال و دنباله‌روهای رنگارنگ آن نه مردم و نه رهبران واقعی آن جنگ با آمریکا را جنگ "فکری و معنوی" نمی‌دانند. ریشه‌کن کردن سیادت نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم فرسنگها با "جنگ" سازشکارانه و عشوه‌گرانه، "فکری و معنوی" فاصله دارد. در حقیقت ما اکنون نه با صدام خائن بلکه با آمریکا در جنگیم. موسام پس از شکست توطئه طیس و طرح‌ریزی کودتا - های نافرجام با اونیفورم نظامی عراق به جنگ جمهوری اسلامی ایران شتافته است. ما با آمریکا در جنگیم، این جنگ را ما نخواسته‌ایم، بلکه آمریکا برای حفظ منافع غارتگرانه خود با زگردها شدن طاغوت‌های جدید با مسرنگ دارد. به گفته امام خمینی ملت ما "به تبع اسلام با جنگ همیشه مخالف بوده و میل دارد که بین همه کشورها آرامش و صلح باشد"

مردم انقلابی وطن ما راه قطعی رهایی خود را یافته‌اند، آنها با الهام از این شعار ما: "ما تا پایان عمر با آمریکا"

رشد اجتماعی و اقتصادی است، به شرط آن که فعالیت‌ها و منافع شرکت‌های چندملیتی الهام‌بخش آن نبوده تحت اداره یا نظارت آنها به اجرا در نیاید. انگیزش در راستای همکاری متقابل و پیوستگی کشورهای رو به رشد، در صورت توجه کشورهای عضو و یک به این نکته که افزایش قیمت نفت اثرات زیان‌بخشی برای اقتصاد کشورهای رشیدیافته. ای که عضو و یک نیستند دارد و در صورت اقدام فوری شان برای جبران این اثرات، می‌تواند به میزان زیادی تقویت شود.

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح پایان دادن به تبلیغات جنگی را که از سوی امپریالیسم و شرکتهای چندملیتی صورت می‌گیرد و طلب می‌کند، شرکتهای چندملیتی تولیدکنندگان عمده سلاح و سلاح‌ها و فروش سلاحها و از مسابقه تسلیحاتی و سیاست نظامیگری کشورها در اکناف جهان سودهای بسیار کلانی به دست می‌آورند.

پارلمان برای تصمیمات مصوب سازمان ملل متحد به منظور پایان دادن به اعمال منفی شرکتهای چندملیتی و استقرار یک نظام جدید بین‌المللی اهمیت بزرگی قایل است و از به اجرا درآمدن واقعی منشور حقوق و وظایف اقتصادی کشورها که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است صمیمانه جا نبداری می‌کند. هیچ‌بانه‌ای - از جمله بحران ادعایی انرژی - که از سوی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری به منظور توجیه تاکتیکیهای خود برای به تعویق انداختن استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین‌المللی پیش کشیده می‌شود. پذیرفتنی نیست، جبراً یک آیین نامه بین - المللی شیوه‌کار را بپذیرد. شرکتهای چندملیتی به اجرا درآید، این منظور - همچنان که در مورد حقوق و وظایف اقتصادی کشورهای عمل شده است - با تصویب آیین نامه از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به دست خواهد آمد.

پارلمان جهانی ملت‌ها مبارزه جهانی به منظور افشاکری و مقابله با فعالیت‌های خطرناک شرکتهای چندملیتی در همه زمینه - ها را ضروری می‌داند. سمینارهایی در سطح ملی و محلی، گردهمایی‌ها و انجمن‌ها باید بدان منتهی گردد که یک کنفرانس جهانی سازمانهای غیردولتی دربارهم شرکت - های چندملیتی دعوت شود.

پارلمان جهانی دعوت می‌کند تا همه ساله از ۱۳ تا ۱۹ نوامبر، یک هفته بین‌المللی فعالیت برضد اعمال خطرناک شرکت‌های چندملیتی برگزار شود.

در کار تصویب تداوم بر سازمان ملل متحد و دیگر سازمانهای بین‌المللی برای پایان دادن به روش‌های منفی شرکت - های چندملیتی مانع می‌تراشد و آن را به تعویق می‌اندازد.

۷- شرکت‌های چندملیتی در فعالیت - های مختلف پنهان و آشکار خود همسان اعمال استعمار گذشته را ادامه می‌دهند. آنها در کشورهای ملی خود نیز مردم زحمتکش را به کساد اقتصادی عمیق و ترشایط کار و زندگی پایین ترازند و تصاحب سوخی - دهند و مقررات سخت تری را در زمینه حقوق دموکراتیک بر آنها تحميل می‌کنند.

۸- شرکت‌های چندملیتی، به این - یا آن صورت، به هر حال مسئول عدم اجرای پیشنهادهای مصوب سازمان ملل متحد و ارگانهای تخصصی آن که مسئولیت این شرکت‌ها را از بابیت تشدید مسائل مبتلابه انبوه میلیونها انسان افشا می‌کنند - می‌باشند. - میلیونها انسانی که در نتیجه بیکاری، تورم، آلودگی محیط زیست و فیره از گرسنگی و بیسوادی و فقدان مسکن و مواظبت‌های بهداشتی رنج می‌برند.

۹- پی‌آمدهای تفکر فعالیت‌های این شرکت‌ها فزاینده از کشورهای رو به رشد می‌باشد. از گرسنگی و بیسوادی و فقدان مسکن و مواظبت‌های بهداشتی رنج می‌برند. ۹- پی‌آمدهای تفکر فعالیت‌های این شرکت‌ها فزاینده از کشورهای رو به رشد می‌باشد.

۱۰- شرکت‌های چندملیتی تولید سلاح مرتباً با تبدیل صنایع نظامی به صنایع تولیدی مسالمت‌آمیز مخالفت ورزیده - اند. تبدیل صنایع تسلیحاتی، به صورتی که با نیازمندیهای تکنولوژیکی جهان رو به رشد مطابقت داشته باشد، امکانات گسترده‌ای در زمینه اشتغال به کار در هر دو بخش پیشرفته و رو به رشد جهان به وجود خواهد آورد.

۱۱- شرکت‌های چندملیتی قدرت واقعی سیاسی و اقتصادی خود را از راه نظارت بر رسانه‌های گروهی و زیر نفوذ خود گرفتن این رسانه‌ها در همه کشورهای - هایی که در آن فعالیت دارند از دیده افکار عمومی پنهان می‌دارند. با توجه به نکات یاد شده، پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح - از همه دعوت می‌کند تا اعمال زیان‌بخش و خطرناک شرکتهای چندملیتی را که مانع استقرار نظام اقتصادی جدید بین‌المللی هستند فاش سازند. این دعوت بویژه خطاب به ملت‌ها و سازمانهای مربوط کشورهای است که با یگانهای عملیاتی اصلی شرکت‌های چندملیتی در آن قرارداد دارند، یعنی کشورهای با اقتصاد متکی بر فروش فراورده‌های صنعتی.

- پارلمان بر آن است که همه کشورهای - هایی که شرکت‌های چندملیتی برضد منافع حیاتی شان عمل می‌کنند، در ارتداد و موظف‌اند نظارت شدیدی را در مورد آنها اعمال کنند.

- پارلمان از کشورهای رو به رشد دعوت می‌کند تا کلیه قراردادهای موافقت - نامه‌های خود را با شرکتهای چندملیتی مورد بررسی انتقادی قرار دهند.

کشورهای دارای منابع طبیعی مانند نفت، مس، بوکسیت، نیکل، آهن و غیر آن تلاشهای شایان تحسینی برای تشکیل و تحکیم اتحادیه‌های صادراتی به عمل می‌آورند تا کنترل انحصاری شرکت‌های چندملیتی را در هم شکنند و خود قیمت‌های عادلانه مقرر کنند. بازرگانی را ثبات بخشد و در نتیجه رشد مستقل خود را تقویت و منافع ملی شان را استیفای کنند.

پیوستگی کشورهای رو به رشد، و پیش از هر چیز در زمینه تولید و همکاری علمی - تکنیکی، یک روند موثر و ضروری برای شریع

۱- فعالیت شرکت‌های چندملیتی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، مالی و بازرگانی گسترش عظیمی را در بخش بزرگی از جهان نشان می‌دهد.

۲- استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین‌المللی وظیفه عمده‌ای است که به منظور جبران تبعیضات و نابرابری - های نظام‌کنونی اقتصاد جهانی در برابر جمیع کشورهای بین‌المللی قرار دارد. در معرضه های مختلفی همچون بازرگانی، مالی، کالاهای مصرفی، مواد خام، تکنولوژی و جریان صنعتی شدن لازم است که یک نظام اقتصادی جدید بین‌المللی دسترسی و سهم و مشارکت کشورهای رو به رشد را در اقتصاد جهان به صورتی منصفانه تامین کند و بدین منظور به آنها کمک شود تا به رشد اقتصادی مستقل دست یابند و درآمد واقعی شان از بابیت صادرات بهبود و افزایش یابد.

۳- تلاش برای استقرار نظام اقتصادی جدید بین‌المللی ناگزیر با منافع شرکت - های چندملیتی که از هرگونه نظارت برای لگام زدن بفعالیت‌های استثمارگرانه شان سر باز می‌زنند تصادم پیدا می‌کند.

شرکت‌های چندملیتی، برای رسیدن به هدف خود که همانا به دست آوردن حد - اکثر سود است، می‌کوشند تا امتیاز تعیین قیمت‌ها را برای خود حفظ کنند. به بهره - کشی از نیروی کار، مواد خام و مواد معدنی ارزان ادامه دهند، و اعتبارات مالی و تکنولوژی را با شرایطی که خود می‌خواهند در اختیار کشورهای رو به رشد بگذارند. شرکت‌های چندملیتی در کاندن سیاستمداران محلی و مدیران دولتی و دیگران به راه رشوه‌خواری و فساد، در سرتگون ساختن دولت‌ها بدین گونه که در شیلی کردند، در پشتیبانی از رژیم‌های نژادپرست مانند آفریقای جنوبی و در اقدام به نقشه‌های خطرناک مانند کمک به آفریقای جنوبی و اسرائیل برای دستیابی به نیروی هسته‌ای تردیدی به خود راه نمی‌دهند. آنان، در همکاری با کمیسیون سه جانبه، به صورت تهدیدی خطر - ناک برای استقلال سیاسی، پیشرفت و صلح‌که لازم است، استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین‌المللی است جلوه‌گر می‌شوند.

۴- همکاری روزافزونی که در زمینه اقتصادی میان شرکت‌های چندملیتی و باره‌ای محافل در چند کشور رو به رشد وجود دارد، نگرانی فزاینده‌ای را موجب می‌شود، بویژه از آن رو که در روند صنعتی شدن و ایجاد یک زیربنای مدرن و بالاتر از همه، در تحقق اشکال تازه، پیشرفت تکنیکی و علمی اغلال می‌کند. واضح است که اگر این چنین روند همکاری گسترش بیشتری یابد، نتایج بسیار وخیمی برای کشورهای رو به رشد به بار خواهد آورد، زیرا آنان همچنان - در تبعیضات از منافع سلطه - گرانه شرکت‌های چندملیتی با قسی خواهند ماند.

۵- شرکت‌های چندملیتی در رشد هماهنگ کشورهای بر حسب ویژگیهای فرهنگی و ملی خود دخالت می‌کنند. شیوه‌های بازار - یابی و تبلیغات شان اولویت‌های رشد ملی را به هم می‌ریزد و چنان عادات مصرف و شیوه‌های زندگی به وجود می‌آورد که با منافع مردم کشورهای رو به رشد مغایرت دارد.

۶- شرکت‌های چندملیتی ستون فقرات قدرت اقتصادی و مالی کشورهای امپریالیستی و متحدان شان را تشکیل می‌دهند، و از این رو است که این کشورها



## انحصارات ژاپن در همکاری با نژاد پرستان

اختلافات ظاهری بین سیاست رسانی حکومت و سیاست انحصارات ژاپن تنها یک پوشش است. بطور عمده هدفهای متعدد در محدودیت روابط اقتصادی ژاپن و جمهوری آفریقای جنوبی، این روابط مخصوصاً در قلمرو تجارت که ابزار اساسی توسعه طلبی اقتصادی ژاپن و بنا بر این، ابزار مهم سیاست خارجی وی است، وسعت می یابد.

آهنگ رشد تجارت جمهوری آفریقای جنوبی و ژاپن در سالهای ۶۰ و ۷۰ به طور متوسط به میزان ۲۵ تا ۳۰ درصد رسال، خیلی سریع تر از آهنگ رشد تجارت این کشور با سایر کشورهای امپریالیستی بوده است. ژاپن از ۱۹۷۳ در وارد کردن کالاها آفریقای جنوبی (۱۱/۵٪ کل صادرات آفریقای جنوبی در ۱۹۷۶) مقام دوم میان فروشندگان کالا به پرتوریا (پایتخت آفریقای جنوبی)، (۱۰/۲٪ واردات جمهوری آفریقای جنوبی) مقام چهارم دارد (فاینا - نشنل تایمز ۱۹۷۷).

جمهوری آفریقای جنوبی که صنعتی ترین کشور آفریقایی است با تولید بیش از ۴۰٪ مجموع ارزش مواد معدنی استخراجی، به نوبه خود اولین همکار ژاپن در آفریقا است. بیش از یک چهارم حجم تجارت ژاپن و آفریقا به جمهوری آفریقای جنوبی تعلق دارد. در ۱۹۷۶ صادرات آفریقای جنوبی به ژاپن ۷۰۷ میلیون دلار و وارداتش از ژاپن ۷۵۱ میلیون دلار بود (آفریقای نو، اوت ۱۹۷۷، صفحه ۸۵۲).

ژاپن با پیشی گرفتن از انگلستان به تهیه کننده عمده اتوموبیل برای جمهوری آفریقای جنوبی بدل شده است. از ۱۹۷۴ جمهوری آفریقای جنوبی سوئین بازرگانی اتوموبیل های ژاپن مخصوصاً اتوموبیل های سواری است. مواد اولیه آفریقای جنوبی برای ژاپن اهمیت نمایی دارد. جمهوری آفریقای جنوبی نخستین فراهم آورنده منگنز و کرم و یکی از مهم ترین تهیه کنندگان شکر، پشم، ذرت و غیره برای ژاپن است.

ژاپن بود. تویا ماه ستودن توسعه تجارت صنعت نوریج. او پیشینها دگر که سطح آن به منظور تامین نیازهای دو کشور و کمک به پیشرفت متقابل اقتصاد "اعتلا باید."

این دعوت دامنه یافته است. امروز تجارت ژاپن و آفریقای جنوبی بیشتر به صورت سرمایه گذاری های مخفی ژاپن است. همانطور که فاینانشل میل "روزنامه آفریقای جنوبی نوشت، تعیین این سرمایه گذاری ها در ژاپن دشوار است، اما در حقیقت، شرکت های ژاپنی سرمایه گذاری هایشان را در آفریقای جنوبی به طور قابل ملاحظه افزایش داده اند. معروف ترین اسلوب سرمایه گذاری از این قرار است: شرکت های محلی که قطعات جداگانه، اتوموبیل را می فروشند، سودهای حاصله را در آفریقای جنوبی گرد می آورند. این وجه به ایجاد شعبه محلی که از نظر حکومت ژاپن سرمایه گذاری مستقیم تلقی نمی شود، کمک می کند. روابط این شرکت با انحصارات ژاپن به صورت روابط تجاری است ("مدور اجزا" و قطعات جداگانه). این شرکت خیلی بیشتر از شعبه های معمولی انگلیسی یا آمریکایی سود می برد.

صاحبان صنایع ژاپن از راه های انحرافی دیگر نیز که امکان می دهد سرمایه گذاری های مستقیمشان پوشیده بماند، سود می جویند. تحویل لوازم و تجهیزات کامل، وام ها و اعتبارات، کمک فنی و فروش لیسانس ها از آن جمله است. علاوه بر این چند شرکت از طریق کمپانی های اروپا مثلاً سوئیس در جمهوری آفریقای جنوبی سرمایه گذاری می کنند.

بانک های ژاپن منبع اصلی سرمایه گذاری را تشکیل می دهند. این بانک ها به وسیله شعبه لندن خود - بانک بین المللی ژاپن - وام های مهمی در اختیار دولت آفریقای جنوبی می گذارند. آنها زیر فشار اعتراضات آفریقای مستقل ناچار شده اند این فعالیت ها را معلق بگذارند. با وجود این، دبیری نمی گذرد که نه بانک ژاپنی به وسیله "اسلای تروورگر سکورتیزاسات آفریقا" ۲۰ میلیون دلار برای اجرای طرح های صنعتی جمهوری آفریقای جنوبی واگذار کرده اند. هدف اساسی "برنامه صنعتی کردن" تقویت زیرساختها و زیرساختها است. شرکت انحصارات ژاپن در این کار چیزی جز پشتیبانی از سیاست آپارتاید نیست. امپریالیسم ژاپن می کشد این واقعیت را زیر پوشش شعارهای عوام فریبانه ای چون "املاحتدریجی آپارتاید" مستور نگاه دارد. رئیس "نیشنلوه پنجمین شرکت تجاری ژاپن با همکاری اعلام داشته است که: اگر اقتصاد جمهوری آفریقای جنوبی گسترش یابد و صنعت آن پیشرفت کند، سرانجام سیاست نژادپرستانه دولت آفریقای جنوبی تغییر خواهد کرد."

مشارکت انحصارات ژاپنی تنها به "برنامه صنعتی کردن" جمهوری آفریقای جنوبی محدود نمی شود. به نوشته "مجلس لندن"، "آفریکن دولوپمنت" آنها "در طرح های درآمدت رشد صنعتی آفریقای جنوبی نقش کلیدی ایفا می کنند". مجله "سه شایا" ارگان کنگره ملی آفریقا ژاپن را "کشور اصلی سرمایه گذار در رشد اقتصاد آپارتاید" توصیف کرده است. سیستم همکاری انحصارات ژاپن با پرتوریا در زمینه گسترش زیرساختها و جمهوری آفریقای جنوبی، به ترتیب زیر

است. شرکت های صنعتی ژاپن ماشین ها و تجهیزات لازم را برای ساختن و بهره برداری از موسسات تحویل می دهند. در عوض طبق موافقت نامه های درآمدت، مواد معدنی اولیه که تهیه آنها از جانب دولت پرتوریا تضمین شده، دریافت می دارند.

در این مورد ساختمان بندرخلیج سالدانها را که در ۱۹۷۳ شروع شد. مثال می زنیم. به نوشته مطبوعات آفریقای جنوبی یکی از هدف های اصلی ساختمان این بندر توسعه روابط تجاری و اقتصادی با غاورد و رودر جای اول با ژاپن است. این بندر مخصوص دریافت سنگ آهن و صادرات است. یک خط آهن این بندر را به معادن سیاس (کالا هاری) که متعلق به گروه بندی انحصارات دولتی آفریقای جنوبی در ذوب آهن و فولادریزی ایسکور است، وصل می کند.

در نیمه اول دهه ۷۰، نمایندگان ایسکور و انحصارات ذینفع ژاپن شکل همکاری مشترک این انحصارات را در ساختمان بندر مذکور چندين بار مورد بحث و بررسی قرار دادند. موضوع اصلی در این مذاکرات دریافت لوازم و تجهیزات کامل در برابر تحویل مواد اولیه بود. قراردادهای درآمدت که برای تحویل سنگ آهن و محصولات نیم ساخته منعقد گردید، از آغاز سال ۱۹۷۶ به مدت ۱۲ تا ۱۵ سال جدول بندی شده است. اگر این تعهدات انجام شود، جمهوری آفریقای جنوبی به نخستین تهیه کننده سنگ آهن ژاپن تبدیل می گردد و در این مورد استرالیا را پشت سر می گذارد.

سوداگران ژاپن در اجرای طرح های دیگر در جمهوری آفریقای جنوبی به همین ترتیب عمل می کنند: مانند ساختمان یک بندر درخلیج ریچارد و راه آهنی که آن را به معادن زغال سنگ "وتیانگ" متصل می کند. به رسنت - کرووه برای صدور سنگ منگنز و ساختمان یک مرکز برق روی شط اورانژ. از این رود در ۱۹۷۳ در حالی که شرکت های منالورژیک و ماشین سازی مشغول تهیه تجهیزات لازم برای کارخانه های ورقه سازی فلزات و فولادریزی هستند، یک مولد برای کارخانه برق به دو کمپانی بزرگ الکتروتکنیک سفارش داده شد. گروه "میتسوبی" مشغول ساختن یک کوره بلیند با دم اکسیژن برای کارخانه منالورژیک ایسکور است. این سودمندترین سفارشی است که جمهوری آفریقای جنوبی به آن مبادرت کرده است.

شرکت انحصارات ژاپنی در صنایع اتوموبیل، تبدیل مواد ساختمانی، موسسات دستگاه های برقی خانگی، الکترونیک کالاهای کاوچویی و غیره آفریقای جنوبی پشتیبانی آشکار از رژیم آپارتاید است. اکثریت این موسسات در مناطقی زیست بومیان ساخته شده اند. حکومت پرتوریا از شرکت های خارجی دعوت می کند که از این موسسات برای کسب سودهای ویژه استفاده کنند. ظاهراً کارخانه های ژاپنی همچون کارخانه های آفریقای جنوبی تلقی می شوند و در برابر "قانون مربوط به حقوق کارگران بومی" از همان مزایا برخوردارند. کارگران آفریقایی کارخانه های اتوموبیل سازی ژاپن از حق اعتصاب و عضویت در سندیکاها محروم اند. دستمزدشان به طور محسوس بسیار کمتر از کارگران کارخانه های آفریقایی است. مثلاً دستمزد کارگران آفریقایی "تویوتا" و "نيسان" به ترتیب ۵۰ و ۶۵ درصد کمتر از دستمزد کارگران آفریقایی "فیورد" و "جنرال موتورز" است. دستمزدی که دو

موسسه آمریکایی مورد اشاره به توصیف دولت آفریقای جنوبی به کارگران بومی می پردازد در حد "قدر قابل تحمل" است. واضح است که دستمزد کارگران بومی در موسسات ژاپنی حتی نمی تواند حداقل معیشت آنان را تامین نماید.

در اواسط دهه ۷۰، شرکت های اتوموبیل ژاپنی مهم ترین موسسات با مشارکت سرمایه خارجی در آفریقای جنوبی بودند. "برنامه صنعتی کردن" تولید قطعات اتوموبیل را برای مونتاژ در جمهوری آفریقای جنوبی به میزان ۶۰ - ۶۵ درصد بالا می برد. اما کارشناسان ملی عقیده دارند که تولید قطعات اتوموبیل "تویوتا" و "نيسان" بسیار پیچیده است و انگهی این شرکتها به هیچ وجه در معرض این خطر قرار ندارند که روزی شاهدنابودی موسساتشان در کشور آفریقای جنوبی باشند.

پس از اتوموبیل، تولید لاستیک (که تولیدشان در موسسات ژاپنی به میزان ۱۰ - ۱۵ درصد است) و سپس تولید دستگاه های برقی و الکترونیک قرار دارند. در آغاز دهه ۷۰، مونتاژ رادیوی اتوموبیل ها ("هیتاچی") در آفریقای جنوبی شروع شد. در اواسط دهه ۷۰ شرکت های ژاپنی در تهیه مذکور به تولید تلویزیون سیاه و سفید، رنگی و دستگاه های برقی منازل پرداختند. آنها با شرکت های غربی به شدت رقابت می کنند و از این رو، موافقت خود را در کمک فنی به جمهوری آفریقای جنوبی برای تولید ملی تلویزیون رنگی اعلام داشته اند. در زمینه ماشین سازی باید گفت که ژاپن بطور عمده به تهیه تجهیزات و ماشین های ابزار می پردازد.

شرکت های ژاپنی دوش به دوش شرکت های انگلیسی، آمریکایی و سایرین در گسترش شاخه های سنتی اقتصاد آفریقای جنوبی: صنایع معدن و کشاورزی که شدید ترین شکل استعمار جمعیت آفریقایی در آنها حفظ شده است، شرکت می کنند. سودهای حاصله از فروش طلا، پلاتین، کبزم و محصولات کشاورزی، ذرت، شکر، کتان، پشم - به ژاپن به طور محسوس موجب غنی شدن بودجه پرتوریا گردیده است.

میان موافقت نامه های درآمدتی که بین ژاپن و جمهوری آفریقای جنوبی در دهه ۷۰ در زمینه خرید مواد اولیه معدنی منعقد گردید، قراردادهای وارد کردن اورانیوم معنای ویژه ای دارد. جمهوری آفریقای جنوبی ونامیبیا که از جانب وی اشغال شده ۲۶٪ ذخایر جهانی اورانیوم را در دست دارند. اگر چه پرتوریا هیچ چیزی درباره فروش مواد معدنی منتشر نمی کند، در توکیو اعلام شد که شرکت های انرژی ژاپنی در آفریقای جنوبی تقریباً نیمی از اورانیوم مورد نیاز کشورشان را خریداری کرده و برای غنی کردن به آمریکا فرستاده اند.

انحصارات ژاپن و جمهوری آفریقای جنوبی چندین موافقت نامه درآمدت در زمینه وارد کردن اورانیوم (نزدیک به ۴۰۰۰۰ تن در فاصله ۱۹۷۵ و ۱۹۸۵) منعقد کرده اند. یکی از این قراردادها به ژاپن امکان می دهد که ۸۲۰۰ تن اورانیوم کیفیتا عالی که در نامیبیا از معادن روسینگ متعلق به شرکت انگلیسی "ریو-تیتنوزینگ کورپوریشن" با شرکت آفریقای جنوبی استخراج می شود، وارد کند. این معامله تقنین آشکار تصمیمات سازمان ملل متحد درباره نامیبیاست و آن را با بدیه عنوان پشتیبانی عملی از سیاست جمهوری آفریقای جنوبی تلقی نمود که بطور غیر قانونی این کشور را به اشغال خود در آورده است. دولت ژاپن علی رغم تفاها

۵۵

# سیستم استثمار بازار مشترک

می‌دانیم که آزادی سیاسی در آفریقا همه جا به معنای زدودن یوغ امپریالیسم نیست. کشورهای غربی غالباً با اصلاح اسلوب‌های نواستعماری تلاش می‌کنند، کوشش‌هایشان را در استعمار دولت‌های آفریقای هماینگ سازند و گرایش‌های ضد امپریالیستی را از میان بردارند. جامعه اقتصادی اروپا فعالیت وسیعی را در آفریقا سازمان داده است. قبلاً موافقت نامه‌های ۱۹۵۷ رزمزمینه ایجاد بازار مشترک، شرکت مستعمرات آفریقای فرانسه و بلژیک را که هنوز آزاد نشده بودند در جامعه اقتصادی پیش-بینی کرده بود. از آغاز دهه ۶۰ که کشورهای آفریقای یکی پس از دیگری به استقلال رسیدند، جامعه اقتصادی به تدوین قرارداد ویژه‌ای پرداخت که این کشورهای را در شرایط نوین استثمار نماید. این قرارداد در ۱۹۶۳ دریا و ونسده پایتخت کامرون انتشار یافت. با وجود مضمون کاملاً نواستعماری این قرارداد، در پایان دهه ۶۰ چندین مستعمره سابق انگلستان در آفریقای شرقی به این قرارداد پیوستند. بر اساس موافقت نامه آروشا (۱۹۶۹)، جامعه اقتصادی اروپا در تجارت با کشورهای چوکنیا، اوگاندا و تانزانیا برخی امتیازات کسب نمود. انگلستان، متوکیل سابق کشورهای مذکور که در ۱۹۷۳ وارد بازار مشترک شد در گسترش اشکال جمعی استعمار توسط فعال تری پیدا کرد.

بعد، برخی از مستملکات پیشین بریتانیا در مناطق دیگر به کشورهای آفریقای پیوستند. در ۱۹۷۵، در پایتخت توگو نخستین قرارداد دلمومه برای سالهای ۱۹۸۰ - ۱۹۷۶ امضاء شد. کشور جامعه اقتصادی اروپا و ۴۶ کشور شریک آفریقای حوزه کارائیب و اقیانوس آرام (آ.اس.پ) به قرارداد مذکور ملحق شدند.

کشورهای در راه رشد در مذاکراتی که پیش از امضای قرارداد انجام گرفت، نظر خود را درباره روابطشان با کشورهای صنعتی سرمایه‌داری بر اساس برابری کامل حقوق اعلام داشتند. جامعه اقتصادی اروپا برای حفظ خطت "ویژه" روابط خود با آفریقا تصمیم گرفت برخی از درخواست‌های آنها را اجابت کند. علت این "عقب‌نشینی" به دلیل بحران‌ها و نیاز فراوان به انرژی و مواد اولیه بوده است. در حال حاضر اروپای غربی در این زمینه - ها بیش از پیش خود را به منابع طبیعی تازه آفریقا وابسته می‌بیند.

با این که قرارداد یا ونسده رژیم ترجیحی را اساس تجارت قرارداد بود، اولین قرارداد دلمومه از این اصل صرف نظر کرد و قرار شد بسیاری از کالاهای کشورهای شریک بدون مانع و مستقل از درجه بندی این یا آن کالا وارد بازارهای جامعه اقتصادی اروپا شوند. یک صندوق درآمد نیز بوجود آمده که صدور برخی محصولات کشاورزی کشورهای آفریقای را تضمین نماید. قرارداد مذکور توسعه کمک جامعه به شرکاء، همکاری صنعتی و غیره را پیش-بینی کرده است.

نخستین قرارداد دلمومه در فوریه ۱۹۸۰ پایان یافت. در آن موقع تأیید شد که کشورهای آفریقای حوزه کارائیب و اقیانوس آرام از طریق رژیم برقرار شده بطور جدی ناراضی اند. کشورهای مذکور در همکاری با جامعه اقتصادی اروپا انتقاد داشتند، شرایطی پدید می‌آید که به آنها امکان خواهد داد، در برابر تورم،

قیمت‌های بالای نفت، موقعیت‌های مخرب سیستم پولی و مالی بین‌المللی و ناپایداری ارزش‌های مبادله مقاومت کنند. اما در عمل ثابت شده که این انتظارات بیهوده بوده است. فاصله بین قیمت‌های مواد اولیه کشورهای آفریقای، حوزه کارائیب و اقیانوس آرام و قیمت‌های گزاف کالاهای صنعتی مورد نیاز این کشورها که در غرب ساخته می‌شود، نه تنها کاهش نیافته بلکه روز بروز افزایش می‌یابد. جامعه اقتصادی اروپا محدودیت‌های آشکار برای صادرات برخی مواد کشاورزی، در جای نخست صدور شرک‌کشورهای مذکور را به غرب لغونکرده است. به ارزیابی کلوب دوم کلیسه کشورهای در راه رشد به علت توزیع نابرابر درآمدهای حاصله از صادرات منابع طبیعی به قیمت غیر عادلانه و موانع تجارسی، دقیقاً در سال ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار از دست می‌دهند.

امتیازاتی که جامعه اقتصادی اروپا در موقع امضای قرارداد دلمومه قائل شد، به هیچ وجه وضع کشورهای در راه رشد را که به عنوان منبع مواد اولیه غرب در آن شرکت می‌کنند، تغییر نداده است. بنا به ارزیابی کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای آفریقا در ۱۹۷۹ قاره سیاه به غرب ۲۶ میلیارد دلار وامدار است. قرضه خارجی مانع از آن است که کشورهای در راه رشد طرح‌های خود را اعتلاء دهند؛ زیرا تنها پرداخت سوده‌های این قرضه‌ها سهم قابل ملاحظه‌ای از درآمدهای صادرات را می‌بلعد.

دومین قرارداد دلمومه که در ۱۹۷۹ بین ۹ کشور اروپای غربی و ۵۷ کشور آفریقای حوزه کارائیب و اقیانوس آرام امضاء رسید، هیچ دورنمای روشنی به روی کشورهای در راه رشد نگشوده است. این کشورها نتوانستند به بسیاری از مطالبات جدید خود دست یابند. مجله بازار مشترک یادآور شده است که "کشورهای آفریقای، حوزه کارائیب و اقیانوس آرام علی‌رغم برخی امتیازات تجارسی و مالی در فقر خود باقی خواهند ماند. موانع صدور برخی محصولات کشاورزی آفریقا به کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا از میان نرفته است. در عوض کشورهای نه‌گانه این امتیاز را به دست آوردند که سرمایه‌گذاری‌های اروپای غربی را در صنایع معدن آفریقای افزایش دهند. همان طور که آفریقای جوان خاطر نشان ساخت، اروپای غربی که از لحاظ تهیه مواد معدنی وسیعاً به آفریقا وابسته است "شدیداً روی تاثیرات سیستم جدید حساب می‌کند."

## رقابت‌های آزمون‌انداز

مکانیسم جامعه اقتصادی به کشورهای اروپای غربی این امکان را می‌دهد که مواضع‌شان را در مذاکرات چند جانبه کشورهای در راه رشد هماهنگ سازند. با وجود این، این سیستم مانع از آن نیست که هریک از آنها در فکر تأمین منافع خاص خود باشند. انگلستان، فرانسه و بلژیک ضمن حفظ مواضع کاملاً محکم‌شان در اغلب مستملکات پیشین خود در آفریقا می‌کوشند تا آنجا که ممکن است در قلمروهای سنتی نفوذ یکدیگر را سرخ نمایند. افزایش فعالیت‌های انحصارات آلمان غربی در قاره آفریقا مبارزه در درون جامعه اقتصادی را شدت داده است. این واقعیت مخصوصاً نشان می‌دهد که چرا هریک از اعضای جامعه و در جای نخست جمهوری فدرال آلمان، فرانسه و انگلستان خود را علاقمند به حفظ کنترل فعالیت سازمان‌های رهبری جامعه اقتصادی اروپا نشان می‌دهند.

واقعیت این است که انحصارات پیچیده دولتی به مکانیسم روابط فیصله بین جامعه اقتصادی و بسیاری کشورهای در راه رشد به مثابه ابزار برای تأمین منافع خاص‌شان می‌نگرند. این ارزیابی از دو نظریه - منطقه‌ای و جهانی-سیاست اقتصادی خارجی جامعه اقتصادی اروپا مایه می‌گردد. هواداران نظریه منطقه‌ای که در کشورهای آفریقای حلقه زده‌اند نخست فرانسه و بلژیک هستند که موفق شده اند مواضع‌شان را در مستعمرات پیشین آفریقای خود حفظ کنند. انگلستان و هلند از نظریه جهانی پشتیبانی می‌کنند هدف فعالیت‌های آنها کشورهای است که منافع اقتصادی‌شان در آنها بطور قابل ملاحظه حفظ شده است.

در حقیقت به کوشش‌ها و دقت‌های انگلستان بود که آنها بسیاری از کشورهای آفریقای چندین کشور حوزه کارائیب و اقیانوس آرام را به اعضای کنوانسیون لومه ملحق کردند. با وجود این، هواداران نظریه منطقه‌ای بافضولیت کشورهای چوکنیا، هند، پاکستان و بنگلادش که بخشی از امپراتوری استعماری بریتانیا بودند و هم مخصوصاً به خاطر حجم بسیار زیاد این کشورها مخالف‌اند. با این همه، کشورهای چوکنیا و سری لانکا در تجارت با جامعه اقتصادی اروپا نسبت به سایر کشورهای غیرعضو از امتیازات معینی برخوردارند. به هر حال اکنون روی آوردن به آفریقا جنبه مسلط دارد. همکاری جامعه اقتصادی اروپا و کشورهای آفریقای با مواضع اروپای غربی در رقابت با دیگر مراکز امپریالیستی؛ آمریکا، شمالی‌ها و ژاپن نه تنها در آفریقا بلکه در مناطق دیگر نیز مطابقت دارد.

## اهم‌های سیاسی

هدف اساسی سیاست بازار مشترک در کشورهای در راه رشد تأمین تدارک مواد اولیه ارزان قیمت است. علاوه بر این، محافظ امپریالیستی از وابستگی اقتصادی این کشورها برای نفوذ سیاسی بهره‌برداری می‌کنند.

بر اساس پیشنهاد انگلستان و هلند دولت کوشیدند در متن دومین قرارداد لومه جمله‌ای بکنجاند مبنی بر این که کمک اقتصادی به کشورهای در راه رشد منوط به احترام آنها به حقوق بشر به تفسیر ایدئولوژیک‌ها و سیاست‌مداران بورژوازی است. نمایندگان کشورهای آفریقای، حوزه کارائیب و اقیانوس آرام به این پیشنهاد دوقی ننهاده و ترا بیحق کوشی برای مداخله بی‌شرمانه در امور داخلی خود تلقی کردند.

به هیچ وجه تصادفی نیست که در اوایل دهه ۷۰ در اروپای غربی لب به سرزنش باز کردند که چرا دولتهای عضو جامعه اقتصادی اروپا کاملاً نتوانستند از "ظلمه" همکاری اقتصادی برای حفظ نفوذ سیاسی غرب در مستعمرات پیشین پرتغال؛ آنگولا و موزامبیک استفاده کنند.

این نمونه گویایی است که آفریقای مستقل نمی‌تواند به سادگی از کنار آن بگذرد. کشورهای جامعه اقتصادی اروپای غربی کوشیده اند از انعقاد موافقتنامه درباره همکاری تجارسی و اقتصادی بین جامعه اقتصادی اروپا و کشورهای عضو پیمان جنوب شرقی آسیا مستقیماً به نتایج سیاسی برسند. وزیران امور خارجه کشورهای عضو پیمان جنوب شرقی آسیا در موقع امضای این موافقتنامه اعلامیه‌ای صادر کردند که به تحریف رویت‌دهی‌های افغانستان و کامبوجیا پرداخته است. از این رو، تأمین و تقویت استقلال اقتصادی، فروریختن سیاست سرمایه‌داری خارجی

وریشه‌کن کردن سیستم استعمار امپریالیستی از وظایف مبرم کشورهای در راه رشد است. در شرایط کنونی آنها می‌توانند برخی از خواست‌های خود را به کشورهای سرمایه‌داری بقبولانند. با وجود این، همان طور که تجربه نشان داد، سیستم ترجیحی "پیر" رابطه با قدرت‌های غربی کاملاً معیوب و زیانمند است. زیرا این نوع روابط شکنی از شوکلونیا لیسم است و برای این اساس نمی‌تواند به استقلال اقتصادی و بالمال استقلال سیاسی کشورهای در راه رشد خدمت نمایند.

# انحصارات ژاپن...

ضد استعمار و ضد نژاد پرست کمک بشهر-دوستانه و حماً پیکرانه بنماید. با این همه بی آنکه احتیاط را از دست بدهد گفت: "البته ژاپن نمی‌تواند هیچ نوع کمک نظامی با مادی در این زمینه به عمل آورد".

با وجود این، ژاپن در "وفا" به وعده‌های پرزرق و برق خود در "کمک" به جنبش‌های رهایی بخش ملی به صندوق سازمان ملل متحد ویژه جمعیت بومی آفریقای جنوبی به شرح زیر کمک کبیترده است: ۲۰۰۰۰۰ دلار برای برنامه تربیت فنی و حرفه‌ای شهروندان جمهوری آفریقای جنوبی، ۱۰۰۰۰۰ دلار به صندوق مقایسه، این "پیشکشی"های ناچیز با سودهایی که شرکت‌های ژاپنی از آفریقای جنوبی به چنگ می‌آورند، ماهیت این بذل و بخشش-های عوام‌فریبانه را آشکار می‌کند.

موضع محافظ رهبری ژاپن که در جستجوی وسایلی برای کسب سودهایی برای انحصارات "خود" هستند از جانب "فارا شترن اگونومیک ریویو" به روشنی مشخص شده است. آنها برای یک نامیبیای مستقل حتی یک جمهوری آفریقای جنوبی سیاه که در خدمت کارفرمایان باشد، رای خواهند داد. اگر غیر از این باشد، آنها ترجیح خواهند داد از رژیم نژاد پرست پرتوریا پشتیبانی کنند.

دولت ژاپن تأکید می‌کند که اوسرمایه - گذاری‌های مستقیم را در جمهوری آفریقای جنوبی قدغن کرده است. در صورتی که حجم آن دائم فزونی می‌یابد. در تابستان ۱۹۷۴ وزارت امور خارجه این کشور اعلام کرد که طبق دعوت سازمان ملل متحد به نمایندگان ورزشی، فرهنگی و دانشگاهی آفریقای جنوبی "ویزای ورود نخواهد داد. اما این قدغن شامل توریست-ها و کارفرمایان نشده است. از بهار ۱۹۷۵ بانک‌های ژاپن برای شرکت‌های آفریقای جنوبی در وارد کردن تجهیزات کامل ژاپن دیگر اعتبارات دراز مدت افتتاح نمی‌کنند. اما این اقدام فقط پس از انعقاد معاملات بلندمدت به ارزش چندین میلیون اتخاذ شده است.

در این جا جاست با جمله "سه‌شا با" هم‌رای شویم که نوشته است: "ژست‌های همبستگی ژاپن با آفریقای ها چیزی جز تلاش برای روبوشی اتحاد وی با دشمنان آفریقا نیست".

"اتحاد مردم"  
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
 محمود اعتمادزاده (م. ا. م. به‌آذین)  
 سردبیر: محمد تقی برونمند  
 آدرس: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹  
 تلفن: ۶۴۴۳۸۴  
 چاپ کاویان - تلفن: ۳۱۶۲۰۹

# انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نخستین انقلاب پیروزمند ضد امپریالیسم جهان

سرما به داری مخصوصاً در مرحله رشد امپریالیستی خود سر آمدن بشریت را به انحطاط و بن بست کشید. در این دوره بشریت با مسأله حیاتی محو استعمار و روستا در همه اشکال آن و مبارز کردن جنگ های جهانی و کشتار جمعی روبرو بود. حل این وظیفه تاریخی به سبب جمع آمدن کلیه شرایط عینی و ذهنی در سرزمین روسیه به طبقه انقلابی کارگران کشور سپرده شد.

طبقه کارگر روسیه تحت رهبری حزب پیشاهنگ و کار آزموده خود رسالت ایجاد شکاف عظیم در جبهه تسلط استعمار جهانی سرما به داری را به عهده گرفت و ناقوس نجات بشریت را از ظلم و استبداد قرن ها اسارت به صدا درآورد. جنبش های جهانی بخش جهانی امیدهای را در چهره روشن لنین و انقلاب اکتبر یافت. بی جهت نبود که پس از سرنگونی قدرت استعمارگران در سرزمین روسیه و استقرارها کمیت سیاسی پرولتاریه انقلابی روسیه و از گون کردن فرمانروایی استعمارگران امکان پذیر شد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که ارمان تکامل تاریخ و جوارت طبقه کارگر روسیه تحت رهبری بصیرانه و هوشمندانه لنین بود، دژا هریمنا امپریالیسم جهانی را برای هموار کردن یورش جمعی انقلاب های خلقی و راهی به بخش به آن از هم شکافت.

این پیروزی پرولتاریای روس با نام ولادیمیر ایلیچ لنین قرین است. تاریخ ما پیش بینی وی را تا بیاید نمود که ما بر خلقها به دنبال طبقه کارگر روسیه راه انقلاب کبیر اکتبر را در نبرد با امپریالیسم و نظام استعمار گرسرما به داری طی خواهند کرد. ویژگی جفا نشمول بودن انقلاب کبیر در همین است.

فتح نمایان خلق زحمتکش روسیه پس از ۶۳ سال در سیما یا بناک نظام انسانی سوسیالیستی و انترناسیونال لیسم انقلابی کشورشورها را با درخشش فزاینده ای متبلور است...

دستاوردهای عظیم این خلق را می توان در همه عرصه های پیشرفت های انقلابی، علم، تکنیک، فرهنگ انسانی، اخلاق خویششان دارا نه وفداکاری های غازی از عجب و شاکه های استعمار در همه جا برای العین دید و لمس نمود. به همین جهت مسأله اهمیت تاریخی این انقلاب مفهوم جدیدی پیدا کرده است. و به حق می توان گفت:

**"قرن ها خواهند گذشت، بشریت به قله های بسرفیعی دست خواهد یافت که از جورانه ترین تصور معاصرین مافرا تر است. حوادث زیادی از یادخواهند رفت اما ۷ نوامبر ۱۹۱۷، روزیکه نخستین انقلاب پیروزمند سوسیالیستی بوقوع پیوست، برای همیشه در یاد و نسلهای آینده زنده خواهد ماند"**

## انقلاب اکتبر بانی محو استعمار انسان از انسان

انقلاب سوسیالیستی در روسیه آغاز زندگی توده های خلق را از یوغ استعمار، ستم اجتماعی و ملی تاب نمود. حاکمیت سیاسی طبقه کارگر پس از استقرار در سرزمین روسیه مالکیت ارضی را از زمین برد، زمین را در اختیار دهقانان زحمتکش قرار داد، بانکها و کارخانه ها و وسایل عمده تولید و حمل و نقل را ملی کرد. پس از انقلاب، سرما به داری را و اشرف زمین دار حاکمیت سیاسی و ابزار اقتصادی فرمانروایی شان را از دست دادند.

طبقه کارگر که رهبری و هدایت جامعه را در مقیاس

دولتی به عهده گرفته بار حیه ای انقلابی تولید اجتماعی را بر اساس کار جمعی و مالکیت جمعی بر وسایل تولید سازبدا داد. برای نخستین بار در تاریخ کارگران از هر نوع جبر و وابستگی اقتصادی آزاد شد. کارگران و کارمندان امکان یافتند در موسسات دولتی متعلق به عموم خلق کار کنند و بر اساس کمیت و کیفیت واقعی کار خود مزد بگیرند. دهقانان زحمتکش توانستند رفته رفته به فواید کار جمعی و مالکیت جمعی یقین پیدا کنند و به تدریج اشکال جدید فعالیت اقتصادی را برپا به اهل جمعی کار و تولید فراگیرند.

براین اساس، شیوه تولید سوسیالیستی در شهرها دیر صنعت و در روستا ها، در اقتصاد روستا بی برقرار گردید. اصل اساسی سوسیالیسم: "آزهرکن به اندازه استعدادش و به هر کس به اندازه کارش" در زندگی اجتماعی و اقتصادی مورد تأیید قرار گرفت در شرایط رژیم سوسیالیستی، مردم شوروی بر عقب ماندگی فنی و اقتصادی کشور فائق آمدند و به سطح عالی رشد اقتصادی، علمی و فرهنگی ارتقا یافتند.

انقلاب اکتبر پیشرفت تاریخی را تسریع نمود و بنا به ماهیت خلقی خود وسیع ترین قشرهای زحمتکش را به کنار آگاهانه و فعالانه جلب نمود. البته همه رویدادهای عظیم انقلابی گذشته به دستاراده توده های خلق به وقوع پیوسته است، اما خورشید چنان انقلاب طبقات استعمارگر بوده اند. خوشه چنان دستاوردهای انقلاب اکتبر کارگران، دهقانان و روشنفکران وابسته به آنها هستند. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ زحمتکش شوروی - کارگران، دهقانان و روشنفکران این آنها را به رهبران و مدیران واقعی جامعه تبدیل نمود.

نخستین سند انقلاب خصلت و تعامل خلقی آن را تا یابد می کند. ۷ نوامبر (اکتبر) لنین دعوت تاریخی خود را خطاب به شهروندان روسیه نگاشت (این سند به مضای کیمت انقلابی نظامی پتروگراد رسید). در این سند می خوانیم:

**"امری که خلق برای آن مبارزه نمود از این قرار است: پیشنها دفوری ملحق دموکراتیک، لغو حق مالکیت زمین داران، کنترل کارگری تولید، ایجاد حکومت شورها، این امر اکنون تحقق یافته است"**

راهی که خلق زحمتکش شوروی طی نمود راهی اسفالتنه و هموار نبوده است. خلق شوروی میبایست این راه را در شرایط محاصره شدید اقتصادی و نظامی جفا نخواران سولیه و تحمل دو جنگ جهانی امپریالیستی و جبهه به جبهه بسنجند و بیازمایند و پس از اطمینان در آن گام نهاد. خلق قهرمان شوروی با الهام از آرمان های پیروزمند اکتبر به خاطر نجات سرزمین انقلاب و تمامی بشریت از طاعون فاشیسم هیتلری ۲۵ میلیون شهید داد.

این خلق با تلاش عظیم خود در ساختن سوسیالیسم پیشرفته، زرادخانه غول آسای اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی اردوگاه سوسیالیسم را در پیوند با انقلاب جهانی به وجود آورده است.

## انقلاب اکتبر منشاء انترناسیونالیسم سوسیالیستی

پشتیبانی بیدریغ سرزمین انقلاب اکتبر از نهضت های انقلابی و راهی به بخش ملی جهان در نبرد با ادمبار امپریالیسم از خط مشی استوار انترناسیونالیسم سوسیالیستی وی الهام می گیرد.

لنین در تصویر روشن این انترناسیونالیسم پیوند ناگزیر سه جریان جنبش انقلابی شوروی را هم پیوند آورده و برهیز- ناپذیری دانسته است، او می گفت: منافع طبقه پرولتاریا

با منافع جنبش های جهانی بخش ملی در کشورهای مستعمره و وابسته مطابقت دارد: مبارزه خلقهای مشرق برای آزادی خویش تنها در پیوند مستقیم با مبارزه انقلابی جمهوری جوان شوراها برضدا امپریالیسم جهانی می تواند پیروز شود. در عین حال، پرولتاریا هم به تنهایی نمی تواند گدا را انقلابی از سرما به داری به نظم نوین اجتماعی را در مقیاس ملی و بین المللی به انجام رساند. "یقین است که تنها پرولتاریا همه کشورهای پیشرفته می تواند پیروزی قطعی به دست آورد، و ما روسها به کاری نباید دردت می کنیم که پرولتاریای انگلیس، فرانسه یا آلمان آن را به پایان خواهند رسانند.

اما این واقعیت را تمیز میدهیم که آنها بدون کمک توده های زحمتکش همه خلقهای ستمدیده مستعمرات، در جای نخست خلقهای مشرق پیروز نخواهند شد." (لنین، آثار، ج ۳ ص ۱۶۰). بنا براین، اتحاد و وحدت عمل زحمتکش ان مستعمرات کشورهای وابسته و طبقه کارگر کشورهای پیشرفته یکی از شرایط اساسی امکان مبارزه کامیابانه با امپریالیسم برای دگرگونی انقلابی جهان برپا به نوین سوسیالیستی است.

تاریخ درستی پیش بینی لنین را در زمینه ضرورت وحدت و یگانگی برهمنویا پذیرنیروهای انقلابی جهان طبقه کارگر و جنبش های جهانی بخش ملی - در مبارزه با امپریالیسم و استعمار ثابت نمود. طی ۶ دهه بیش از ۹۰ مستعمره و نیمه مستعمره به استقلال سیاسی دست یافته اند. سیستم استعماری "کلاسیک" امپریالیسم زیرضربه جنبش راهی بخش ملی در همه نور دیده شده است. کشورهای جوان مواضع خود را در سیاست و اقتصاد جهانی تحکیم می بخشید. آنها در روابط کنونی بین المللی بسیار ر فعلل شده اند.

کمک همه جانبه اردوگاه سوسیالیسم و در را س آن اتحاد شوروی به کشورهای نوا استقلال و جنبش های راهی به بخش ملی زمینه سرکوب انقلابات راهی به بخش را بسیار محدود و درموارد معین ناممکن کرده است. دفاع بلا منازع از جنبش های راهی به بخش ملی و رستاخیز خلقها نمونه گویایی از تجلی انترناسیونالیسم سوسیالیستی اردوگاه جهانی سوسیالیسم است.

حمایت بی شائبه از خلق سوریه، نهضت آزادی بحث فلسطین، جمهوری دموکراتیک یمن، الجزایر، لیبی، آنگولا، اتیوپی، موزامبیک، کوبا، افغانستان، نهضت راهی به بخش خلق تا میبیا و ده ها نمونه دیگر پیوند ناگسستنی جنبش جهانی کارگری و رستاخیز خلقها را نشان می دهد.

به موهبت برخورداری کشورهای نوا استقلال از کمک مالی، فنی، اقتصادی کشورهای سوسیالیستی به ویژه اتحاد شوروی، مناسبات اقتصادی، سیاسی کشورها دستخوش تغییرات عظیمی شده است.

راه اکتبر راه نایبودی قطعی امپریالیسم، راه ریشه کن شدن استعمار انسان از انسان و راه سعادت با لندی معنوی و مادی بشریت در روی زمین است. انترناسیونالیسم این انقلاب شعله ای است که هرگز خاموش نخواهد شد.

این انترناسیونالیسم در خدمت همه نیروهای انقلابی جهان قرار دارد و بی ادعا و فروتنانه علمی رغم پرده دود آگینی که امپریالیسم و تبلیغات مسموم آن ایجاد کرده سرزدهای خارمغیلان را در نخیل به کعبه راهی به ملت ها به جان پذیرا می شود.



داری بودند که برضدا اخراج جمهوری آفریقای جنوبی از آژانس بین المللی انرژی هسته ای رای دادند. ژاپن، این کشور قربانی بمباران های هسته ای، با کمک به رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در تشکیل قدرت هسته ای یک بار دیگر ثابت کرد که منافع سرمایها را از همه چیز را زیر پا می نهد.

ژاپن در عین حال می کوشد خود را در انظار خلقهای آفریقا خوب و ارزشمند جلوه دهد. در آوریل ۱۹۷۲ یک هیات نمایند جلوه دهد. در آوریل ۱۹۷۲ یک هیات نمایند از دولت ژاپن درخواست کرد حجم تجارتش را با جمهوری آفریقای جنوبی کاهش دهد و به جنبش راهی به بخش ملی آفریقا کمک کند. وزیر امور خارجه ژاپن نیز وعده داد که "از گام ناخال سازمان ملل متحد به زمتگان

متحد و گمانا دست مستفاده کند. مجله "سه شایا" در بیان تشویش خود درباره گسترش صنعت اتمی جمهوری آفریقای جنوبی می نویسد: "امری چون ما هسته ای نمی تواند به ملاحظیات نظم سیاسی و نظامی قابل توجهی باشد. این که سلاح هسته ای به عنوان یک اقدام نومیدانه برای نجات دولت آنها رتا به مورد استفاده قرار گیرد به هیچ وجه منتفی نیست".

چنانکه می دانیم در ۱۹۷۵ درباره همکاری هسته ای جمهوری فدرال آلمان و جمهوری آفریقای جنوبی سوو صدای فراوانی به راه افتاد. انحصارات ژاپن در رابطه با رژیم نژادپرست مغفیان عمل می کنند. همه اخبار مربوط به مشارکت آنها در صنایع اتمی آفریقای جنوبی پوشیده می ماند. در ۱۹۷۷ نمایندگان ژاپن از جمله ۱۳ نماینده کشورهای سرمایه -

کارخانه فنی کردن اورانیوم به ارزش ۵۵۰ میلیون راند و به ظرفیت ۵۰۰ تن مواد معدنی در سال در جریان است. (در آوریل و مه ۱۹۷۳ نمایندگان کمیته انرژی اتمی جنب کیدافرن و نمایندگان انجمن صنایع ژاپنی انرژی اتمی از جمهوری آفریقای جنوبی بازدید کرده اند). اعلام شد که مذاکرات پیرامون امکان شرکت فنی و مالی ژاپنی ها در ساختن کارخانه بر اساس طرح مقدیاتی مربوط به آغاز ۴۹۸ بوده است. سازمان انرژی ژاپن به این طرح توجه فراوان دارد: نخست برای این که تولید این موسسه محتمل است و ندانند انجمن اورانیوم آمریکا شود. دوم برای این که جمهوری آفریقای جنوبی ترجیح می دهد که از اسلوب جدید فنی کردن اورانیوم که در ژاپن بکار گرفته می شود و ۳۰ درصد از ترانزاسلوب ایالات -

# سرود برای آزادی

وطنم  
گل خون

وشهیدانش از حد بیرون

ما به راه تو ای آزادی  
چه بهایی که نپرداخته ایم  
تا به چنگت آریم  
لاله دل بر کف

دو هزار و پانصد سال به هر برزن و کوگردیدیم

مادران

داغ فرزندان بردند به گور  
شمعدانی‌ها در باغچه دق آوردند

بی تو ایران گل بی گلبرگی است  
که دلی باز نخواهد شد در منظر آن

پدرم می گوید

جوجه لکک پیری بود  
که به سرشاخه گلدسته مسجد همامان

بال و پر رویاندی

از برادرهایم می شنوم  
در شقایقهای خون شهیدان وطن بشکفتی

چه تفاوت دارد

تو زهر جا که فراز آمده ای  
قدمت بر چشمم

تو همان خورشیدی

که زمین را برکت می بخشی  
و هزاران گل اندیشه ز دل همامان می رویانی

ای همه زیبایی

نان سرسفره مردم نفس راحت شهر  
در دل سنگرها

گونه هایت را گلگون تر کن  
و دلراتر بخرام که من

شرخشم خونین شهر  
آهین بازوی آبادان

نعره زهره شکاف همه ایرانم  
و به چنگ و دندان

پاس می دارم از دشمن

ای آزادی در وطنم

آبان ۵۹

جعفر کوش آبادی

# غفلت نکنیم

و تا جایی که می توان دید و  
داوری کرد، آمریکا از این  
مرحله هنوز دور است.

آنچه منتظما باید انتظار  
داشت آن است که مقامات  
واشنگتن، بی آن که به صراحت  
واز طریق رسمی شرایط ایران  
را، دکندند، تا آنجا که بتوانند  
در دادن پاسخ بدان تامل  
ورزند، بعد هم، با خواستن  
توضیحات و طرح پیشنهادی  
متقابل یا پیش کشیدن تعارض  
فلان نکته با قانون ملی و  
قانون اساسی آمریکا، کار را  
به درازا بکشانند. در این میان  
ما نوورهایی به عنوان مراجعه  
به شورای امنیت یا طرح  
شکایت در دادگاه بین المللی  
لاهی صورت خواهد گرفت و اگر کمتر  
تنبلیغاتی جهان با خردریاره  
ناسازگاری و زیاده طلبی  
جمهوری اسلامی ایران آهنگ -  
های گله آمیز و کم کم خشم آلود  
سر خواهد داد تا آن موج امپدوار

که با اعلام احتمال آزادی  
گروگانها در میان مردم آمریکا  
پدید آمده بوده نومیدی و کینه  
- تیزی بدل شود و توده های  
فریب خورده برای تائید  
ما جراحی جویی های امپریالیستی  
برضد ایران آماده شوند. اینجا  
خطر بزرگی نهفته است. البته،  
ملتا انقلابی ایران با فدا کاریها

را با دولت های واسطه یا با خود  
مقامات آمریکایی بدهد.

ولی، واقع بین باشیم.  
آیا می توان انتظار داشت که  
دولت جهانخوا را آمریکا بتواند  
شرایط ما را صادقانه بپذیرد و  
به اجراء آورد؟ در حقیقت،  
پیش از چنین کاری، آمریکا  
- دست کم در مورد ایران - باید  
دیگر آن آمریکایی که می -  
شناسیم نباشد. باید - دست کم  
در مورد ما - سرشت استثماری  
و تجاوزپیشه و جنگ افروزی  
رانفی کرده باشد. اما یک  
چنین خوشبختی دورا ز احتیاط  
است. آمریکا - نه امروز که  
کارتر شکست خورده هنوز در کاخ  
سفید است و نه دو ماه دیگر که  
جای خود را به ریگان خواهد  
سپرد - نمیتواند، برای رهایی  
پنجاه و دو تن جاسوسی، سیاست  
امپریالیستی خود را از اساس  
در هم بریزد و یا تن دادن به  
شرایط ایران موجب شود که  
شبهه تنگ اتحادیه های  
سیاسی و نظامی اش در آسیا و  
اروپا و آمریکای لاتین از هم  
گسسته شود. برای این کار  
چیزی بیش از تغییر یک رئیس  
جمهور لازم است. تنها یک  
دگرگونی بنیادی، یک انقلاب،  
میتواند چنین تغییرجهتی را  
در سیاست آمریکا پدید آورد.

و جانبازیهای خود نشان داده  
است که در پاسداری از استقلال  
و تمامیت ارضی کشور و برای  
حفظ آزادیها و حقوق به دست  
آمده از رویا رویی با هیچ خطر  
نمی هراسد. با این همه، لازم  
است که همه، موجبات معنوی  
و مادی پیروزی بردشمنی در  
مقابله امپریالیسم جهانخوا را  
آمریکا و متحدان و سرسپردگان  
به دقت فراهم آید. خواه امروز  
در جنگ با عراق مبتجا و زخواه  
فردا که دیگرگان دست آموز  
امپریالیسم در منطقه به  
اشاره، آمریکا به یاریش  
بشتابد، تجهیز همه نیروهای  
ملت و رهبری دقیق و درست  
جنگ ضرورتی بدیهی است.  
همچنین است بصیرت در شناخت  
دشمن و دوست و به کار گرفتن  
همه امکانات برای نیل به  
پیروزی در چارچوب منافع  
کشور و انقلاب، سهل انگاری،  
دعوی بی نیازی و ادا همه انحصار  
- گرایی مایه جدایی و  
موجب ناتوانی است. ایران  
به اتحاد همه نیروهای انقلابی  
و ضامپریالیستی نیاز دارد.  
ایران به دوستی با اردوگاه  
صلح و سوسیالیسم، کشورهای  
غیر متعهد و جنبش های استقلال -  
طلبانه، سراسر جهان نیاز دارد.  
غفلت نکنیم ■

کالیفرنیا دمیدم کشتی های تازه به تازه  
- ای به طرف السالوادور رهسپار می -  
شود. لاری دامفی یکی از دست اندرکاران  
کمیته عدالت اجتماعی سانفرانسیسکو  
گفت: این کشتی ها حامل بار روبنه نظامی  
از جمله مهمات جنگی، گاز اشک آور، اسلحه  
و تکنیک نظامی هستند.  
به دستور واشنگتن با شتابزدگی  
یک قرارداد صلح میان السالوادور و  
هندوراس امضاء شد. هدف این قرارداد  
استفاده از نیروهای مسلح به عنوان نیرو  
- های سفاک و موجه نشان دادن حضور  
نیروهای مسلح بیگانه در خاک السالوادور  
است.  
در عین حال واحدهای نظامی ویژه  
آمریکایی برای مبارزه با پارتیزان ها  
در پایگاه های نظامی آمریکا در فلوریدا  
و در منطقه آبراه پاناما و برخی از کشور -  
های آمریکای مرکزی کاملاً آماده  
باشند. درآمدها، در نزدیکی سبواحل  
السالوادور تعدادی نا جنگی آمریکا  
پدیدار شده اند. جرایم آمریکا لاتیین با  
نگرانی می نویسد: آمریکا برای نجات  
دارودسته نظامی السالوادور آماده است.  
به انجام اقدام های افراطی از جمله به  
تجاوز نظامی مستقیم دست بزند.  
جبهه انقلابی و دموکراتیک السالوادور  
به این مناسبت اعلام کرد که میهن پرستان  
عزم راسخ دارند مداخله مسلحانه آمریکا  
را دفع کنند و به خاطر آزادی میهن تا آخر  
مبارزه خواهند کرد ■

این اقدام بدون شک مهمترین  
مرحله در مبارزه دلیرانه میهن پرستان  
السالوادور در راه آزادی میهن است  
رویدادهای السالوادور نشان می دهد که  
دارودسته نظامی که فقط در نتیجه استفاده  
از کمک های نظامی و مالی آمریکا می -  
تواند به حکومت خود ادامه بدهد، پشتیبانی  
مردم را کاملاً از دست داده و زمامداری آن  
به زودی پایان خواهد یافت.  
یک سازمان میهن پرست دیگر از  
نیروهای مسلح مقاومت ملی به جبهه  
انقلابی و دموکراتیک پیوست.  
دولت انقلابی در یک ناحیه آزاد  
شده در شمال السالوادور تشکیل شده و  
با اتکال به ارگان های ملی خودگردانی  
که در آنجا تاسیس شده اقدام خواهد کرد.  
چنانکه انریکه آلوارس کوردو و رئیس  
جبهه انقلابی و دموکراتیک گفته است:  
دولت مردم قیام کرده با انجام هیچگونه  
مذاکراتی با دارودسته نظامی که دست  
خود را با خون مردم السالوادور آلوده  
ساخته است، موافقت نخواهد کرد. میهن -  
پرستان ایستگاه رادیویی مونسو در  
پایتخت را اشغال و اعلامیه ای پخش کردند  
و طی آن اتحادیه کارانه دارودسته  
نظامی و امپریالیسم ایالات متحده آمریکا  
را شدیداً محکوم ساخته و مردم السالوادور  
را به وحدت عمل دعوت کرده اند.  
تشکیل دولت انقلابی باعث شد که  
عملیات دسته های جبهه انقلابی و دمو -  
کراتیک به حد زیادی شدت یابد. آنها یک  
عده عملیات موفقیت آمیز علیه نیروهای  
مسلح دارودسته نظامی که زیر دست  
مستشاران نظامی آمریکا قرار دارند،  
انجام داده اند.  
در این میان واشنگتن از رژیم  
محکوم شده همچنان پشتیبانی می کند.  
آمریکا بومیان تحویل اسلحه برای دار  
- ودسته نظامی می افزاید. از بنادر

## ما دشمنیم با شیطان

### چه با کارتر چه ریگان

در جنگیم "امپریالیسم آمریکا را سدر راه  
بیشرفت های اجتماعی، آزادی و استقلال  
سرزمین خود میشناسند و می دانند تا زمانی  
که نفوذ آمریکا باقی است، فقر، بیسواد،  
درماندگی و وابستگی به انحصارات چند  
ملیتی غارتگر برای همیشه باقی خواهد بود.  
آمریکا با جمع همه قوای ابلهسی  
خود در اقیانوس هند و خلیج فارس و تجهبیز  
همه قدرت های شیطانی و مرتجع منطقه  
- شاه حسین ها، خالدها، قابوس هبسا و  
سادات ها و غیره - انقلاب خلقی ما را در  
محاصره اقتصادی، سیاسی و نظامی خود و  
اعوان و انصارش قرار داده است.  
ملت قهرمان ما برای بیرون راندن  
این دیوسایه از منطقه، وادای این دین  
بزرگ خود به انقلاب عظیم جهانی ورهایی  
خلقهای اسیر این سامان از چنگ نفت -  
خواران بین المللی یک دم از مبارزه با  
"شیطان بزرگ" باز نخواهد ایستاد و به  
قول حجت الاسلام موسوی خوئینی ها:  
"تا ایران هست و تا اسلام هست و  
آمریکای جهانخواهر هست، باز هم برای  
همیشه آمریکا دشمن ما ست، تمام تفنگها  
باید به سمت آمریکا نشانه برود" ■

## تشکیل دولت انقلابی

### السالوادور

جبهه انقلابی و دموکراتیک  
السالوادور که احزاب و سازمان های اساسی  
مخالف دارودسته نظامی کشور آمریکا  
مرکزی عضو آن هستند، تشکیل دولت  
انقلابی را اعلام کرد.

**شرکت فعال در جنگ**  
**عادلانه بر ضد دولت**  
**متجاوز عراق یک وظیفه**  
**انقلابی است!**